

عوامل اجتماعی مؤثر بر امید به آینده دانشجویان دانشگاه تهران (ورودی سال ۱۳۹۳)

شراره مهدیزاده^۱

سیما قاری قرآنی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۰

امیدواری و خوش بینی نسبت به آینده زندگی، از جمله نشانه‌های پویایی و نشاط در جامعه و انگاره‌ای برای پیشرفت اجتماعی است. تحقیق حاضر، حاصل پیمایشی است که با هدف شناسایی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۷۵۵۱ نفر دانشجویان ورودی در سال ۱۳۹۳ به دانشگاه تهران بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، نمونه‌ای با حجم ۲۶۰ نفر تعیین گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میزان امید به آینده دانشجویان پایین‌تر از حد متوسط است. میانگین نمره کل امیدواری در مقیاس ۱ تا ۵، ۲/۷۴ است که بیانگر وجود نگرش نسبتاً منفی درباره آینده است. متغیرهای اصلی در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امید به آینده شامل دینداری، احساس انومی، احساس محرومیت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. در سنجش احساس انومی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، انومی اقتصادی بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد مهمترین انتظار و اساسی‌ترین گفتمان میان ذهنی جوانان، نابسامانی-های اقتصادی مانند بیکاری، نابرابری در کسب درآمد و... است. پس از آن، انومی اجتماعی قرار دارد که شامل ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم رعایت حقوق متقابل، بی‌قانونی و ... است. انومی رابطه منفی و دین-داری رابطه مستقیم و مثبت با امید به آینده داشتند. نتایج رگرسیونی نشان داد که متغیرهای وارد شده بر مدل، ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که در این میان، سهم متغیر احساس انومی در تبیین متغیر وابسته بیشتر است.

واژگان کلیدی: پایگاه اجتماعی- اقتصادی، دین‌داری، احساس محرومیت، احساس انومی، امید به آینده و دانشجویان

^۱ دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sh.mehdizadeh@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

امید به آینده به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سلامت‌روان، از متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی و شادابی افراد جامعه به ویژه نسل جوان است. اهمیت بررسی امید به آینده در میان دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین منابع انسانی هر جامعه‌ای دو برابر می‌گردد. جوانان در اوج سازندگی، شکوفایی، تحرک و پویایی قرار دارند که آینده جامعه به دست آنها رقم می‌خورد.

برخی آمارها بیانگر وجود انواعی از آسیب‌های اجتماعی مانند افسردگی، اعتیاد، طلاق و خشونت‌های اجتماعی بین جوانان کشور است؛ چنان که نتایج تحقیقی با سؤالات مجزا بر روی ۷۵ هزار جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله نشان داد که ۳۶ درصد جوانان از نظر قدرت و امید به زندگی دچار مشکل هستند، ۴۲ درصد آنان اعتماد و عزت نفس کافی ندارند و ۵۴ درصد دچار سطوحی از افسردگی هستند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲). چنانچه در تحقیقی معلوم گشت که هر چه میزان امید به آینده بیشتر باشد، احساس اعتماد و در نهایت، رضایت از زندگی بیشتر می‌شود و برعکس (هزار جریبی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). این شواهد نگران‌کننده است و می‌تواند در جوانان، روحیه عدم اطمینان به آینده را رشد دهد و به احساس بی‌قدرتی بینجامد.

نامطمئن بودن نسبت به آینده این نتیجه را به دنبال دارد که همه تصمیمات با ریسک و خطر همراه گردد و آنان ترجیح دهند روش‌های زود بازده‌تر را انتخاب کنند. نسل جوان در اثر وابستگی طولانی مدت به والدین، بیکاری و ناتوانی مالی برای تشکیل خانواده ناچار است بدون نقشه‌ای قابل اتکا به سوی بزرگسالی حرکت کند. امید، باور به آینده‌ای بهتر است و بر تعاملات و روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد و باعث جلوگیری از انفعال جوانان و جهت بخشی به زندگی آنان می‌شود. امید عاملی برانگیزاننده است و باعث می‌شود جوانان مسیری را انتخاب کنند که در نهایت به تکامل آنان و جامعه بینجامد. اسنایدر معتقد است می‌توان امیدواری را به دو مفهوم مهم «تعیین جهت‌گیری هدفمند موفق» و «برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز» که دسترسی به اهداف را امکان‌پذیر می‌کند، تقسیم کرد. (اسنایدر، ۲۰۰۷: ۶۱).

توقعات نسل کنونی متأثر از پیش‌بینی‌ها و انتظارات آنان از آینده و شکاف مضاعف بین این انتظارات با امکانات دسترسی و تحقق آن باعث شکل‌گیری نگرش بدبینانه و این احساس در میان بخشی از جوانان شده است که آن‌ها کتتری بر زندگی، سرنوشت و آینده خود ندارند. جوانان در چنین شرایطی، آینده را نامطمئن‌تر از آن چیزی که هست می‌بینند و لذا خود را در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آن ناتوان می‌یابند.

امید به آینده می‌تواند به رشد و شکوفایی شخصیت، خلاقیت، شادی و نشاط، تحرک و پویایی در نسل جوان بینجامد و ناامیدی می‌تواند انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز، افسردگی، سوء مصرف مواد مخدر و رفتارهای پرخطر را در پی داشته باشد. عوامل متعددی در ایجاد امید به آینده مؤثرند؛ برخی از این عوامل مانند پایگاه اقتصادی- اجتماعی، بیشترین رابطه را با امید به آینده دارند (عبداللهی، ۱۳۸۹). احساس ناامیدی منجر به احساسات منفی دیگری مانند عصبانیت، نارضایتی و انفعال در رسیدن به اهداف می‌شود که نتیجه آن می‌تواند احساس انومی و محرومیت باشد. این تحقیق در صدد شناسایی و ترسیم نگرش و احساس دانشجویان نسبت به آینده خود و جامعه است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

شناسایی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن.

هدف جزئی

توصیف و تبیین رابطه عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان امید به آینده مانند پایگاه اقتصادی- اجتماعی، احساس محرومیت، احساس انومی و میزان دین‌داری.

سؤالات کلی

۱. میزان امید به آینده در بین جوانان چقدر است؟
۲. عوامل مؤثر بر امید به آینده در میان جوانان کدام‌اند؟

سؤالات جزئی

۱. ارزیابی جوانان از اوضاع آینده کشور چگونه است؟
۲. جوانان تا چه حد به برآورده شدن اهداف و خواسته‌هایشان در آینده امیدوارند؟

پیشینه تجربی پژوهش

تحقیقات داخلی

مردای و صفاریان (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی- تفاوتی اجتماعی در شهر کرمانشاه»- با نمونه ۴۰۰ نفری از میان ۴۲۰۱۷ نفر جامعه آماری- نشان دادند که

سرمایه اجتماعی و امید به آینده و میزان درآمد، تأثیر معناداری بر بی تفاوتی اجتماعی (متغیر وابسته) دارند. با افزایش امید به آینده، میزان بی تفاوتی جوانان کاهش می‌یابد و بالتبع آن، منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

افراسیابی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه عوامل اجتماعی مرتبط با امید جوانان به آینده در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر یزد دریافتند که میانگین امید به آینده در سطح بالاتر از متوسط است. در این تحقیق ۴۵۰ دانشجوی به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند و نتایج حاکی از آن بود که محدودیت‌های اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی و سرخوردگی‌های ایجاد شده از سوی جامعه برای دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر باعث کاهش سطح امید آنها به زندگی شده است.

حسین دهقان در تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران (۱۳۹۶)» - با نمونه آماری شامل ۳۸۰ نفر از جوانان شهر تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای - به این نتیجه رسید که بین امید به آینده، احساس امنیت اجتماعی، احساس مقبولیت اجتماعی، احساس اعتماد اجتماعی، عدالت توزیعی و شادمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

علیزاده اقدم (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن» انجام داده است. این تحقیق نشان داده که میزان امید به آینده در بین دانشجویان زیاد بوده است (۶۷ تا ۱۰۰ درصد). همچنین دو بعد از سه بعد سرمایه اجتماعی (انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی) در امیدبخشی به افراد تأثیرگذار هستند.

تحقیقات خارجی

آدانز (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «تحولات اجتماعی و آنومی در بین جوانان بلغارستان پس از کمونیسم» متغیر آنومی را تحلیل عامل نمود و سه بعد را در آن تشخیص داد. یک بعد واکنش‌های روان‌شناختی را نشان می‌داد که ناامیدی نسبت به تحولات بود و دو بعد دیگر احساس نوستالوژی (احساس دال بر غم و شادی توأمان را شامل می‌شود و زمانی به وجود می‌آید که به روزهای خوش گذشته فکر کنیم) و بی‌هنجاری در مواجهه با تحولات را در برمی‌گرفتند. داده‌ها از ۵۶۰ دانشجوی دانشگاه‌های بزرگ بلغارستان حاصل شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بود. تحلیل رگرسیون نشان داد که آنومی روان‌شناختی (بعد اول) جاصل موقعیت‌های فشارزاست از جمله: درآمد پایین، طبقه اجتماعی پایین، ناامیدی از اصلاحات و احساس درماندگی شدید نسبت به آینده. در مقابل، نگرش‌های آنومیک که به نوستالوژی و

احساس بی‌هنجاری مربوط می‌شدند، موقعیت خاص اقتصادی-اجتماعی یا موقعیت فشارزا را نشان نمی‌دادند. نوستالوژی بیشتر محصول مخالفت و مقاومت در مقابل اصلاحات بود و رابطه بین بی‌هنجاری و آرزوی شغل آینده مثبت بود.

بولاند و همکاران (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی ناامیدی و خشونت در میان جوانان امریکا پرداخته‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ناامیدی نسبت به آینده نسبتاً نادر است و تعداد نسبتاً کمی از جوانان نسبت به آینده ناامیدند (۲۰ الی ۳۰ درصد). بین ناامیدی و عدم اطمینان به آینده رابطه‌ای وجود ندارد. حدود ۸۰ درصد از جوانانی که عدم اطمینان به آینده را بیان کرده‌اند، نسبت به آینده ناامید نیستند. عدم قطعیت درباره آینده با رفتارهای خشونت‌بار همراه نیست، در حالی که ناامیدی با رفتارهای خشونت‌بار همراه است البته در سطح متفاوتی برای زنان و مردان.

مولوک (۲۰۰۶) که تحقیقی را با عنوان «ارتباط بین مقابله مذهبی و رفتارهای خودکشی در نوجوانان آمریکایی-آفریقایی تبار» انجام داده است، دریافت که ناامیدی و افسردگی عواملی خطرناک برای افکار و اقدام به خودکشی هستند و سبک مقابله مذهبی به طور قابل توجهی با رفتارهای خودکشی ارتباط دارد. نوجوانانی که از سبک مقابله مشارکتی استفاده می‌کنند به طور قابل توجهی بیشتر در کلیساها حضور دارند و تمایل کمتری به احساس ناامیدی و یأس دارند. زنان بیشتر از مردان از سبک مقابله مشارکتی استفاده می‌کنند و این یافته‌ها می‌تواند توضیح دهنده آسیب‌پذیری بیشتر مردان در مقابل خودکشی باشد.

ام سی کیب و بارنت (۲۰۰۰) به بررسی جهت‌گیری آینده جوانان آفریقایی-آمریکایی پرداخته‌اند. داده‌های به دست آمده بیانگر آن است که دختران در مقایسه با پسران نسبت به آینده خوش‌بین‌تر، واقع‌بین‌تر و کمتر بدبین هستند و احساس کنترل بیشتری بر روی نتایج آینده روابط خانوادگی و عاشقانه دارند، اما تفاوت‌های جنسیتی در مورد جهت‌گیری نسبت به آینده زندگی شغلی وجود ندارد.

یافته‌های فردریکسون (۲۰۰۹) و فولر و کریستاکیز (۲۰۰۸) نشان داده است افرادی که هیجان‌های مثبت و خوش‌بینی بیشتری را تجربه کرده باشند، عمر طولانی‌تری را خواهند داشت. همچنین، افراد امیدوار و شادمان، روابط اجتماعی قوی‌تری با دوستان، همسر، همسایگان و بستگان خود دارند.

استودارد و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای دریافتند که عوامل محلی مانند فقر و خشونت ممکن است محدود کننده توانایی نوجوان برای فکر کردن درباره آینده باشد و توسعه و رشد امید را مهار کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حتی در چنین محیط‌های پرتنش، ارتباطات مثبت اجتماعی بخصوص ارتباط با مادر در

اوایل نوجوانی همچون سد محافظی عمل می‌کند و باعث کاهش ناامیدی و رشد امید و در نتیجه باعث کاهش پیامدهای اجتماعی منفی ناشی از ناامیدی یعنی شرکت در خشونت می‌شود.

پیشینه نظری پژوهش

رویکردهای روان‌شناختی

استوتلند با طرح نظریه امید معتقد است که ارزیابی مثبت از حوادث گذشته بر نوع ارزیابی از آینده تأثیر داشته است و این نیز به نوبه خود رضایت فردی را مشروط می‌نماید. امید تنها از طریق تجارب فردی و از طریق تکرار نمونه‌های مشابه به دست نمی‌آید، بلکه تعامل و ارتباط با دیگران در بروز روحیه یأس یا امید در زمینه‌های متعدد اجتماعی عامل تعیین‌کننده‌ای می‌باشد. از نظر استوتلند، اضطراب و نگرانی به علت احتمال اندک در دستیابی به اهداف باارزش می‌باشد. همچنین، او به تأثیر حوادث و وقایع گذشته در شکل‌گیری نمونه ذهنی فرد توجه دارد (صفدری، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۲). از نظر اسنایدر، امید به عنوان انتظار فرد برای موفقیت در دستیابی به هدف تعریف شده است (اسنایدر، ۲۰۰۰: ۷). توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی هدف‌های مطلوب به‌رغم موانع موجود و توانایی ایجاد انگیزه برای شروع و تداوم حرکت در این گذرگاه‌ها، امید مجموع این دو مؤلفه است (کار، ۱۳۸۴: ۲۳). امید فرآیندی شناختی است که افراد به وسیله آن، فعالانه اهداف خود را دنبال می‌کنند (اسنایدر، ۱۹۹۴: ۱۱).

مؤلفه‌های امید در نظریه اسنایدر عبارت اند از:

- ۱- تفکر هدف: اساس نظریه امید بر مبنای اهمیت و ضرورت اهداف بنا شده است (ولز، ۲۰۰۵).
- ۲- تفکر عامل: افکاری است که افراد در مورد توانایی خود برای شروع و تداوم حرکت در مسیر انتخاب شده به سمت هدف دارند (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۷).
- ۳- تفکر گذرگاه: توانایی ادراک شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف است (اسنایدر، ۱۹۹۴). از آنجا که برخی از طرح‌ها و نقشه‌ها ممکن است با شکست مواجه شوند، افراد دارای امید بالا، به منظور مقابله با موانع احتمالی، چندین گذرگاه را در نظر می‌گیرند (اسنایدر و همکاران، ۱۹۹۱: ۴۵).

رویکردهای جامعه‌شناختی

دورکیم در نظریه آنومی به طرح علل وقوع ناامیدی، انزوا، انفعال و از خودبیگانگی در افراد می‌پردازد و دو نوع آنومی را تمیز می‌دهد: یکی در سطح فردی و دیگری در سطح اجتماعی. بی‌هنجاری یا آنومی در سطح فردی، به نوعی حالت ذهنی^۱ اطلاق می‌گردد که در آن، به واسطه اختلالات اجتماعی، فرد در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد رفتاری دچار نوعی سردرگمی، احساس بی‌قدرتی و احساس پوچی می‌شود. آنومی در سطح اجتماعی نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن، احساسات فرد با توجه به نظام اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توان اجتماعی وجود ندارد، فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. بدین ترتیب ممکن است فرد دست به رفتاری نابهنجار بزند و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع نماید و یا به صورت فردی از خودبیگانه، بی‌قدرت و ناامید، به زندگی منزوی و منفعل خود ادامه دهد (دورکیم، ۱۹۳۳: ۲۰۹). به نظر دورکیم، زمانی که تحول نیازها و خواسته‌ها با وسایل تطبیق نمی‌کنند و امکانات موجود، پاسخگوی آنها نیست باید در صدد محدود نمودن هیجانان برآمد، در غیر این صورت شرایط موجود، وضعیتی آنومیک به خود می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۷).

آنومی در جامعه‌ای به وجود می‌آید که: ۱- رشد سریع اقتصادی و اجتماعی در آن روی می‌دهد؛ ۲- در آن عده‌ای ثروتمند می‌شوند؛ ۳- این ثروت به روش‌های گوناگون برای قشر فقیر به نمایش گذاشته می‌شود؛ ۴- دست آخر اینکه، سیستم و ساختار پایدار نیازهای آنان را بر هم می‌زند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹). به طور کلی در ادبیات جامعه‌شناسی دو مفهوم پردازی کلی از آنومی وجود دارد: یکی فقدان وفاق با درجه توافق پایین در مورد هنجارهای مسلط جامعه، در این حالت ما در مورد جامعه با فرهنگ بی‌هنجار صحبت می‌کنیم و با سطح کلانی از تحلیل سر و کار داریم. رویکرد دیگر بر نگرش‌های فردی تأکید دارد. از این منظر اشخاصی که به لحاظ روان‌شناختی از نظم هنجاری بیگانه شده‌اند (یا آن را رد می‌کنند) به عنوان بی‌هنجار دیده می‌شوند (مورسیون و سولیسیتور، ۱۹۹۵: ۸۵).

مرتون تلقی دورکیم از آنومی را در قالب «نظریه استیصال»^۲ بسط داده است و به تحلیل چگونگی گسستگی و عدم ارتباط بین فرد و ساخت اجتماعی می‌پردازد. مرتون در ابتدا دو بعد از سیستم اجتماعی و فرهنگی را مشخص می‌کند: الف) اهداف، آرزوها، انتظارات و ارزش‌های فرهنگی؛ ب) روش‌ها، شیوه‌ها، وسایل و اسباب دستیابی به این اهداف.

^۱ State of mind

^۲ Strain Theory

در سطح خرد، زمانی که فرد شیوه تأیید شده برای دستیابی به اهداف خود نداشته باشد، مستأصل شده و به وسایل نامشروع متوسل می‌شود. در سطح کلان هم وقتی جامعه توان ارائه ابزار و وسایل قابل قبول برای دستیابی به اهداف مطرح در سطح خرد را ندارد، خود باعث ایجاد آنومی می‌شود. البته جوامع از لحاظ درجه اهمیتی که برای اهداف و وسایل قائل می‌شوند، با یکدیگر تفاوت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰).

غایت هر جامعه‌ای، هم‌شکلی و هم‌نوایی است و آن در صورتی میسر است که بین اهداف و آرزوها با امکانات، هماهنگی و همسویی وجود داشته باشد. مرتون می‌نویسد که وقتی بین اهداف فرهنگی و وسایل تشکیلاتی جهت دستیابی به این اهداف تناسب وجود نداشته باشد، در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت. طبق نظر مرتون، هنگامی که جامعه هدف محور باشد، ثروت و امکانات مادی، بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد. افرادی که دارای آموزش رسمی محدود و منابع اقتصادی کم هستند، به زودی درمی‌یابند که راهی برای کسب ثروت و دیگر راه‌های موفقیت به طور قانونی برای آن‌ها میسر نیست. اهداف موفقیت‌مقبول اجتماع در سراسر جامعه یکسان است، اما دستیابی به روش‌های مشروع به پایگاه و طبقه اجتماعی بستگی دارد. افرادی که از ساختار فرصت‌های مشروع، خارج مانده‌اند دچار احساس خشم، سرخوردگی، بی‌هنجاری و هنجار گسیختگی می‌شوند. مرتون برای سنجش آنومی و انحرافات در یک گونه شناسی کلی، رفتارهای اجتماعی را در پنج سنخ قرار می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۰۲).

هر جامعه تلاش دارد تا اهداف و آرزوهای مردم خود را محدود کند. اگر جامعه‌ای آنومیک شود، نمی‌تواند برخواسته‌ها و آرزوهای جامعه خود اعمال کنترل کند. در این جامعه مطالبات افراد پایان ندارد و اطاعت از قوانین با دشواری صورت می‌گیرد و بروز رفتارهای جایگزین در بین افراد مانند جرم و انحراف اجتناب‌ناپذیر است (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۷۵).

میکالوس معتقد است که احساس خشنودی از زندگی، حاصل و برآیند شش نوع مقایسه است: ۱- آنچه فرد می‌خواهد و آنچه دارد. ۲- شرایط واقعی موجود و بهترین شرایط گذشته. ۳- آنچه فرد دارد و آنچه دیگران دارند. ۴- شرایط واقعی و شرایط ایده‌آل. ۵- شرایط واقعی و انتظارات. ۶- اسناد شخصی و اسناد محیطی. میکالوس در مطالعه‌ای پی‌برد که سه نظریه اول شکاف، نزدیک به نیمی از رضایت و شادکامی را در افراد مورد بررسی توجیه می‌کنند (براتی، ۱۳۸۱: ۶۰).

از منظر تئوری مقایسه اجتماعی، افراد در همه جا در فرآیند مقایسه اجتماعی شرکت می‌کنند. راجع به خود و سایرین به قضاوت می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که آیا در اعمالشان برابری رعایت می‌شود و یا خیر.

به عقیده فستینگر، مردم از طریق مقایسه ابعاد مختلف زندگی خود با دیگران به وضعیت خود پی می‌برند و متوجه جایگاه خود در نظام اجتماعی می‌شوند.

مقایسه اجتماعی، خود شروطی دارد و هر کس خود را با هر کسی مقایسه نمی‌کند، بلکه خود را با افراد مشابه و کسانی که وضعیتشان کمی بهتر است، مقایسه می‌کند. اگر فرد در نتیجه مقایسه با دیگران به نتایج نامطلوبی برسد- یعنی احساس عقب‌ماندگی کند- دچار نارضایتی خواهد شد. مقایسه اجتماعی مهم‌ترین شرط پیدایش احساس نارضایتی و احساس نیاز در انسان‌هاست (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۱).

می‌توان بر این امر تأکید کرد که مقایسه اجتماعی خود فرآیندی نیست که مستقیماً به نارضایتی بینجامد، بلکه افراد در نتیجه مقایسه با دیگران به ارزیابی از نتایج مقایسه می‌پردازند و چنانچه سهم خود را بر حسب میزان سرمایه‌گذاری انجام شده غیرمنصفانه ارزیابی نمایند، دچار احساس محرومیت نسبی می‌گردند و این احساس، مقدمه نارضایتی و ناراحتی روانی است. در تعریف محرومیت نسبی آمده است: «تفاوت درک شده بین انتظارات ارزشی افراد (مطالبات و وسایل و شرایط زندگی‌ای که افراد معتقدند به راستی حق و شایسته آنهاست) و توانایی‌های ارزشی آنها (امکانات و وسایل و شرایطی که فکر می‌کنند استعداد به دست آوردن و نگهداری آنها را دارند). (تد رابرت گر، ۱۳۷۷: ۳۲) توانایی‌های ارزشی، اشاره به اموری دارند که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آنها را یافت؛ آنها شرایطی هستند که تصویری از شانس را در زمینه تحصیل یا حفظ ارزش‌هایی معین می‌کنند که افراد به نحو مشروعی انتظار به دست آوردن آنها را دارند و انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی است که فرد خود را به طور موجهی مستحق و شایسته به دست آوردن یا حفظ آنها می‌داند (همان: ۲۴).

ایجاد احساس محرومیت نسبی منوط به برقراری دو شرط است:

الف) ادراک نابرابری: وجود نابرابری واقعی و عینی در جامعه برای پیدایش احساس محرومیت نسبی اهمیت کمتری از ادراک ذهنی و ارزیابی ذهنی نابرابری دارد. ادراک نابرابری بیش از هر چیز تابع دو عامل است:

۱- قدرت ادراک: قدرت ادراک نابرابری می‌تواند توسط مکانیسم‌های آموزشی و آگاهی‌دهنده مانند مدرسه، مسافرت، مذهب و وسایل ارتباط جمعی تقویت شوند. اما قدرت ادراک به تنهایی برای درک نابرابری کافی نیست و انسان باید نابرابری را ببیند. به عبارت دیگر، امکان دیدن آن را داشته باشد. هم قدرت ادراک و هم امکان دیدن نابرابری از طریق مدرنیزاسیون یا توسعه فراهم می‌گردد.

۲- امکان ادراک و مشاهده: ادراک نابرابری همراه با ایجاد شرایطی برای آن تقویت می‌گردد. مثل افزایش تماس انسان‌های فقیر با انسان‌های ثروتمند و ملاحظه امکانات رفاهی آن‌ها.

ب) ارزیابی نابرابری: احساس محرومیت نسبی وقتی به وجود آید که انسان‌ها خود را با دیگران مقایسه کنند- البته انسان خود را با وضعیتی که به وضعیت او نزدیک است مقایسه می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۸۳). احساس محرومیت می‌تواند در اغلب موارد به تزايد میزان انحرافات نظیر انواع بزهکاری، اعتیاد، فحشا و غیره بینجامد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۸۳).

عامل دیگری که همواره مورد توجه جامعه‌شناسان کلاسیک بوده است، تحلیل تأثیر دین در تبیین نظم اجتماعی است. دین در رویکرد کارکردگرا به نظر دورکیم، در افراد حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن فشار اجتماعی محترمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وا می‌دارد (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۷؛ همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۵). بینگر می‌گوید برای حل مسائلی مثل ناکامی، رنج، عدم اطمینان و به خصوص مرگ، مردم به ارزش‌های متعالی نیاز دارند. ایده فلاح و رستگاری که به وسیله ادیان مطرح شده، راه‌حلی برای «مسائل غایی» است.

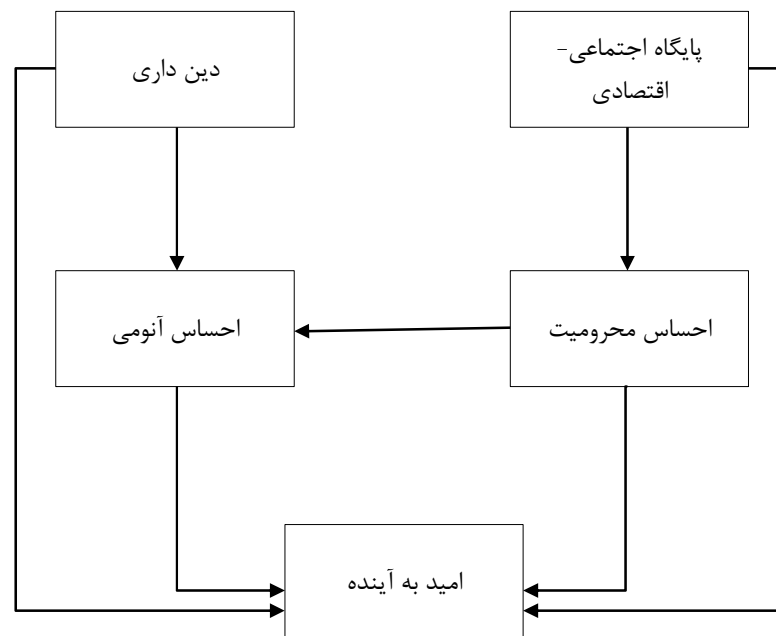
در این رویکرد، دین جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند. دین همچنین به نظم اجتماعی رسمیت و اعتبار می‌بخشد و با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند (تایتل و ولش، ۱۹۸۳: ۵۶۶). در مجموع، اگر چه نظریات روان‌شناسی استوتلند و اسنایدر متغیرهای قابل توجهی را در ایجاد امید مورد تأکید قرار می‌دهند، اما به نظر می‌رسد حلقه‌های پیوند متغیرهایی که در نهایت باعث امید به آینده در حوزه اجتماعی می‌گردد، کامل نیست. لذا از تئوری‌های آنومی دورکیم و نیز مرتون که تأکید بر عدم تعادل میان نیازها و اهداف با امکانات موجود در جوامع شتاب آلود مدرن دارد، استفاده شد. بخش دیگری با استناد به نظریه‌های مقایسه اجتماعی و محرومیت نسبی که بر آگاهی فرد از جایگاهش در نظام اجتماعی توسط ارزیابی از عقاید و توانایی‌های خویش در مقایسه با دیگران و نیز رضایت از شرایط و عملکرد واقعی در

مقایسه با شرایط استاندارد تاکید دارد، انجام شد. در کنار این بحث‌ها، نظریه کارکردگرایی دین که ناظر بر مقوله امید و رضایت از زندگی بود، به درک موضوع و تبیین آن کمک نمود.

فرضیه های پژوهش

- ۱- با افزایش پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان امید به آینده افزایش پیدا می‌کند.
- ۲- با افزایش پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان احساس محرومیت کمتر می‌شود.
- ۳- با کاهش احساس محرومیت، میزان امید به آینده افزایش پیدا می‌کند.
- ۴- با کاهش احساس محرومیت، میزان احساس آنومی کاهش می‌یابد.
- ۵- با افزایش دین‌داری، میزان امید به آینده بیشتر می‌شود.
- ۶- با افزایش دین‌داری، احساس آنومی کاهش می‌یابد.
- ۷- با کاهش احساس آنومی میزان امید به آینده افزایش می‌یابد.
- ۸- بین ویژگیهای افراد و امید به آینده رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدل نظری پژوهش



روش شناسی پژوهش

در این تحقیق، از روش پیمایش^۱ و تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری، کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است که شامل ۱۷۵۵۱ نفر در تمامی مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌گردد. بر این اساس، حجم نمونه مورد بررسی با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران تعیین گردید و در سال ۱۳۹۴ مورد پرسش قرار گرفتند. در تعیین حجم نمونه بر حسب دقت مورد نظر و میزان همگنی پیش آزمون انجام شده و بر اساس متغیر امید به آینده ۸۰ به ۲۰ درصد به دست آمد. با استفاده از فرمول، حجم نمونه در پیش آزمون ۲۵۷ نفر تعیین شد و در نهایت ۲۶۰ پرسشنامه تکمیل شد. توزیع پرسشنامه در میان نمونه آماری مورد مطالعه، با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است؛ بدین صورت که ابتدا با مراجعه به دانشکده‌های دانشگاه تهران، ۸ دانشکده (پزشکی، ادبیات و علوم انسانی، داروسازی، دندان پزشکی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده هنر، دانشکده شیمی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی) به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. سپس در داخل هر دانشکده، تعدادی از گروه‌های آموزشی به طور تصادفی گزینش و از بین گروه‌ها چند کلاس درس انتخاب و در نهایت افراد نمونه از داخل کلاس‌ها و از بین دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت تصادفی انتخاب گردیدند.

تعریف مفاهیم

۱- متغیر وابسته

امید به آینده: یک انتظار خوب برای آینده است، ارزیابی مثبت از آنچه فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (هزار جریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۲) که از طریق ۶۲ گویه و ۱۱ بعد، آینده کلی کشور، آینده مسائل اجتماعی، آینده اقتصادی، آینده سیاسی، آینده وضعیت آموزشی، آینده اشتغال، آینده جوانان، آینده ارزش-های اخلاقی- مذهبی، آینده روابط خانوادگی، آینده زنان و آینده خود بر اساس طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- متغیرهای مستقل

^۱ Survey method

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: موقعیت و اعتبار فرد در جامعه و در سلسله مراتب اجتماعی با توجه به موقعیت مالی و اجتماعی ای که کسب می‌کند، می‌باشد (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۸۱). با استفاده از شاخص اجتماعی - اقتصادی (SEC) دانکن محاسبه گردیده است. این مقیاس شامل درآمد، تحصیلات و وجهه شغلی می‌گردد. دین‌داری: شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی (خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۱۳). در این مطالعه با استفاده از الگوی اصلاح شده گلاک و استارک، میزان دین‌داری در چهار بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی مورد سنجش قرار گرفته است.

۳- متغیرهای واسط

احساس محرومیت: اختلاف بین سطحی از زندگی که فرد در آن به سر می‌برد و آنچه فکر می‌کند در عمل از آن برخوردار باشد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۲۲) که با استفاده از ۱۳ گویه بر اساس طیف لیکرت سنجیده شده است.

احساس آنومی (بی‌هنجاری): یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند با قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳). در این پژوهش نگرش دانشجویان نسبت به میزان وجود نابسامانی اجتماعی با استفاده از ۱۸ گویه، در سه بعد احساس آنومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی شده است.

جدول ۱: میزان پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	مفهوم	ضریب آلفای کرونباخ
وابسته	امید به آینده	۰/۹۵
واسط	احساس آنومی	۰/۸۹
واسط	احساس محرومیت	۰/۸۳
مستقل	دین‌داری	۰/۹۴

یافته‌های پژوهش

میانگین سنی افراد برابر با ۲۴ سال بوده و کمترین سن، ۱۹ سال و بیش‌ترین سن، ۳۵ سال گزارش شده است. حدود ۵۸ درصد پاسخگویان زن و ۴۲ درصد آنان مرد هستند. ۵۰ درصد این افراد در مقطع کارشناسی، ۴۱ درصد کارشناسی ارشد و ۹ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشند. پایگاه اجتماعی - اقتصادی حدود ۲۲/۳ درصد از افراد پاسخگو در طبقه بالا، ۵۴/۲ درصد از افراد در طبقه متوسط و ۲۳/۵ درصد از افراد در طبقه پایین می‌باشند.

میانگین نمره کل دین‌داری ۳/۲۴ می‌باشد (در محدوده ۱ تا ۵) که این میزان با توجه به ابعاد دین‌داری عبارت است از: بعد اعتقادی با میانگین ۳/۲۷، بعد مناسکی با میانگین ۲/۵۵، بعد تجربی با میانگین ۳/۷۶ و بعد پیامدی با میانگین ۲/۸۳.

نتایج نشان داد که احساس محرومیت ۴۷ درصد از پاسخگویان کم و خیلی کم، ۳۹ درصد متوسط و ۱۴ درصد بالا و خیلی بالا می‌باشد.

میانگین نمره کل احساس آنومی ۳/۶۸ می‌باشد (در محدوده ۱ تا ۵) که این میزان در سه بعد آن به این قرار است: آنومی اقتصادی با میانگین ۳/۷۴، آنومی اجتماعی با میانگین ۳/۶۹ و آنومی سیاسی با میانگین ۳/۶۱. همچنین نتایج نشان داد امید به آینده کلی کشور با میانگین ۲/۹۸، امید به آینده مسائل اجتماعی با میانگین ۲/۵۴، امید به آینده اقتصادی با میانگین ۲/۶۹، امید به آینده سیاسی با میانگین ۲/۸۵، امید به آینده وضعیت آموزشی با میانگین ۲/۹۲، امید به آینده اشتغال با میانگین ۲/۶۵، امید به آینده جوانان با میانگین ۲/۳۴، امید به آینده ارزش‌های اخلاقی - مذهبی با میانگین ۲/۲۵، امید به آینده روابط خانوادگی با میانگین ۲/۳۵، امید به آینده زنان با میانگین ۲/۹۶ و امید به آینده خود با میانگین ۳/۴۵ می‌باشد که میانگین نمره کل امیدواری ۲/۷۴ محاسبه گردید.

آزمون فرضیات

جدول زیر رابطه بین متغیرهای مستقل و واسط را نشان می‌دهد:

جدول ۲: بررسی رابطه متغیرهای مستقل با متغیرهای واسط

نام متغیر مستقل	نام متغیر واسط	نوع آزمون	مقدار آزمون	معنی‌داری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	احساس محرومیت	پیرسون	-۰/۲۶	۰/۰۰
احساس محرومیت	احساس آنومی	پیرسون	۰/۴۴	۰/۰۰
دین‌داری	احساس آنومی	پیرسون	-۰/۴۷	۰/۰۰

طبق جدول بالا، افراد دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، بیش از دیگران دچار احساس محرومیت می‌شوند. مطابق دیدگاه مرتون، دست‌یابی به روش‌های مشروع جهت نیل به اهداف موفقیت‌آمیز به پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بستگی دارد. افراد پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، از امکانات و فرصت کمتری برای تحقق اهداف خود در جامعه بهره‌مند می‌باشند. این افراد از طریق مقایسه خود با دیگران به ادراک ارزیابی نابرابری می‌پردازند و در نتیجه محرومیت بیشتری را احساس می‌کنند که این احساس مقدمه ناراضی‌تی و ناراحتی روانی است.

همچنین، با افزایش احساس محرومیت، احساس آنومی افراد به میزان معنی داری افزایش می یابد. براساس مدل و چارچوب نظری، درک و ارزیابی وجود نابرابری و در نتیجه ایجاد احساس محرومیت باعث می شود افراد شکاف بیشتری بین اهداف و وسایل احساس کنند و بیشتر مستعد احساس آنومی گردند.

نتایج نشان داد احساس آنومی در افراد دین دار کاهش قابل توجهی داشته است. بر طبق رویکرد کارکردگرا به دین، دین جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می کند. دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش های اجتماعی و تقویت الزام های اخلاقی درونی شده به برقراری نظم اجتماعی کمک می کند.

جدول زیر رابطه عوامل اجتماعی و امید به آینده دانشجویان دانشگاه تهران را نشان می دهد:

جدول ۳: بررسی رابطه متغیرهای مستقل و امید به آینده در میان دانشجویان

نام متغیر	نوع آزمون	مقدار آزمون	معنی داری
سن	پیرسون	-۰/۰۵	۰/۳۴
جنسیت	آزمون t	۱/۲۴	۰/۲۱
وضعیت اشتغال	آزمون t	-۰/۴۴	۰/۶۶
وضع مسکن	تحلیل واریانس	۱/۵۷	۰/۱۸
قومیت	تحلیل واریانس	۰/۹۵	۰/۴۶
مقطع تحصیلی	تحلیل واریانس	۰/۳۲	۰/۷۲
رشته تحصیلی	تحلیل واریانس	۰/۴۳	۰/۷۸
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	پیرسون	۰/۰۲۹	۰/۶۴
احساس محرومیت	پیرسون	-۰/۳۸	۰/۰۰
دین داری	پیرسون	۰/۴۳	۰/۰۰
احساس آنومی	پیرسون	-۰/۷۰	۰/۰۰

در این جدول، متغیرهایی که در سطح اسمی قرار دارند مانند وضعیت مسکن، قومیت و ... پس از بردارسازی به متغیر تصنعی تبدیل شدند تا با استفاده از تحلیل واریانس، آزمون شوند. با توجه به نتایج به دست آمده، کسانی که احساس محرومیت کمتری دارند به آینده امیدوارترند و افراد ناامید بیشتر احساس محرومیت می کنند. این مطلب تأییدی بر نظریه محرومیت نسبی است. طبق این نظریه هرگاه افراد به درک وجود نابرابری بین خود و دیگران برسند، دچار احساس محرومیت، ناکامی و سرخوردگی می شوند و در نهایت نسبت به اجرای عدالت و آینده اجتماع بدبین می گردند.

نتایج نشان می‌دهد با افزایش دین‌داری دانشجویان، میزان امید به آینده آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین، رابطه معنی‌داری میان احساس آنومی و امید به آینده وجود دارد؛ یعنی با کاهش احساس آنومی در افراد، امیدواریشان به آینده افزایش چشمگیری می‌یابد. مطابق نظریه بی‌هنجاری اجتماعی، در شرایط اجتماعی آنومیک، شکست و ناکامی جوانان در دسترسی به اهداف اجتماعی بر اساس امکانات موجود باعث منزوی شدن و غلبه روحیه افسردگی، یأس و ناامیدی در بین آن‌ها می‌شود.

در مدل رگرسیونی، رابطه بین میزان دین‌داری، احساس محرومیت و احساس آنومی با امید به آینده معنادار بوده است. بین مجموعه متغیرهای مستقل و واسط این مدل و متغیر وابسته (امید به آینده) همبستگی قوی وجود دارد ($R = 0/64$) و ۴۱ درصد از کل تغییرات میزان امید به آینده، مربوط به این متغیرهاست.

طبق معادله بالا، متغیر احساس آنومی بالاترین تأثیر را روی متغیر وابسته دارد؛ بدین صورت که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر احساس آنومی، میزان امید به آینده به میزان ۰/۵۲ انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت. همچنین افرادی که احساس محرومیت بیشتری می‌کنند، امید به آینده آن‌ها به میزان ۰/۱۱ کاهش می‌یابد. با افزایش میزان دین‌داری افراد، میزان امید به آینده آن‌ها به میزان ۰/۱۳ افزایش پیدا می‌کند.

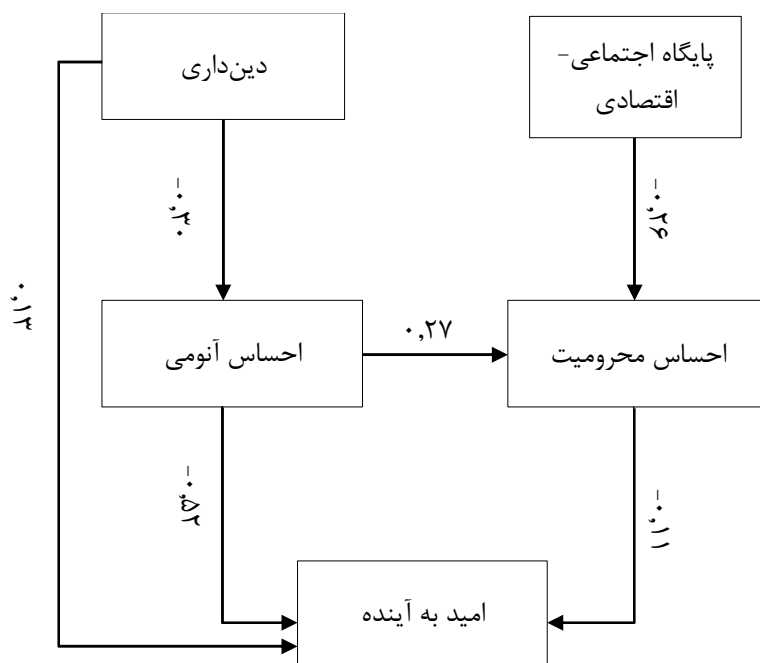
جدول ۴: ضرایب رگرسیون امید به آینده با متغیرهای مستقل

معنی‌داری	مقدار آزمون t	ضرایب		متغیرها
		Beta استاندارد	B غیراستاندارد	
۰/۹۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	پایگاه اجتماعی- اقتصادی
۰/۰۱۵	۲/۴۵	۰/۱۳	۰/۱۰۲	دین‌داری
۰/۰۴۰	-۲/۰۶	-۰/۱۱	-۰/۱۲	احساس محرومیت
۰/۰۰۰	-۹/۵۲	-۰/۵۲	-۰/۴۲	احساس آنومی

$$(احساس آنومی) - 0/52 - (دین‌داری) 0/13 + (احساس محرومیت) 0/11 = امید به آینده$$

تحلیل مسیر زیر نشان می‌دهد متغیر احساس آنومی، قوی‌ترین و مهم‌ترین تأثیر مستقیم را بر روی امید به آینده دارد. بعد از احساس آنومی، متغیر دین‌داری بیشترین تأثیر غیر مستقیم و از طریق متغیر احساس آنومی بر متغیر امید به آینده دارد- البته متغیر دین‌داری به‌طور مستقیم و ضعیفی میزان امید به آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس از دین‌داری، متغیر احساس محرومیت، سومین تبیین‌کننده متغیر وابسته است که طبق مدل نظری از طریق احساس آنومی، میزان امید به آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چهارمین تبیین‌کننده

متغیر وابسته، پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد است که به طور غیرمستقیم و از طریق احساس محرومیت تأثیر معنی داری را بر میزان امید به آینده ایفا می کند.



بحث و نتیجه گیری

در چارچوب اطلاعات حاصل، از میان جمعیت ۲۶۰ نفری نمونه، ۵۸ درصد از پاسخگویان زن و ۴۲ درصد دیگر را مردان تشکیل داده اند. همچنین از نظر سطح تحصیلات، نیمی از افراد نمونه دانشجویان مقطع کارشناسی، ۴۱/۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۹/۲ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. طبق یافته‌های تحقیق، احساس محرومیت جوانان تقریباً در سطح متوسطی قرار دارد. می توان گفت جوانان در سطح فردی از زندگی خود راضی هستند، اما فاصله و شکاف زیادی بین زندگی فعلی و زندگی ایده آل خود احساس می کنند. براساس تئوری محرومیت نسبی، حاصل این شکافها شکل گیری انتظارات فزاینده است که گهگاه به شکل ناآرامی ها، رفتارهای خشونت آمیز و انواع انحرافات اجتماعی مانند بزهکاری، خودکشی، اعتیاد، بحران هویت و از خودبیگانگی قابل مشاهده است.

یافته‌ها نشان داد که میزان آنومی دانشجویان در سطح بالایی قرار دارد و نشانگر وضعیتی است که جوانان در آن، حالتی از گسستگی میان خود و جامعه را تجربه می کنند که می تواند بسیار نگران کننده و خطر ساز باشد. از نظر دورکیم، تغییرات شتاب زده اجتماعی اقتصادی در جوامع در حال توسعه موجب از هم- پاشیدگی هنجارهای سنتی و از بین رفتن کنترل آرزوها یا بروز وضعیت آرزوهای بی حد و حصر می شود.

از آنجا که تحول نیازها و خواسته‌ها با وسایل تطبیق نمی‌کند و امکانات موجود پاسخگوی آن‌ها نیست باید درصد محدود نمودن هیجانان برآمد. در غیر این صورت شرایط موجود وضعیت آنومیک به خود می‌گیرد و ناامیدی نسبت به خواسته‌ها و آرزوها پوچی را به دنبال می‌آورد که نتیجه آن تمایل به اقدامات منفی از جمله خودکشی است. این تمایل نه از گرایش‌های درونی، بلکه از سیستم متزلزل اجتماعی نشأت می‌گیرد. طبق یافته‌های این پژوهش از میان ابعاد سه‌گانه آنومی، آنومی اقتصادی بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. مشخص‌ترین پیام این یافته‌ها این است که مهم‌ترین رنج و مشکلی که جوانان با آن دست به گریبان هستند و احساس می‌کنند جامعه نیز در آن بخش دچار التهاب، آسیب و نابسامانی جدی است، در درجه اول شرایط اقتصادی جامعه است.

از دیگر یافته‌های پژوهش اینکه به طور کلی التزام و پایبندی دانشجویان به آموزه‌های دینی در سطح متوسط به بالایی قرار دارد. با وجود این، نگاهی به میزان پایبندی دینی در ابعاد مختلف دین‌داری حاکی از آن است که این پایبندی عمدتاً در ابعاد به اصطلاح نرم دین‌داری (باورها و عواطف) است. در حالی که در دو بعد اعتقادی و تجربی بیش از نیمی از دانشجویان دارای پایبندی در حد بالایی بودند، در دو بعد مناسکی و پیامدی که ناظر به انجام مناسک فردی و جمعی و نیز کاربرد هنجارهای دینی در زندگی روزمره و اجتماعی است، تعداد کمتری از پاسخگویان در حد بالای پایبندی قرار داشتند.

یافته‌های توصیفی درباره امید به آینده نشان داد که میانگین نمره کل امیدواری در مقیاس ۱ تا ۵، ۲/۷۴ است که نشان می‌دهد نگرش غالب دانشجویان مورد بررسی پایین‌تر از میانگین (۳ در مقیاس پنج درجه‌ای) است. این امر بیانگر نگرش نسبتاً منفی پاسخگویان درباره آینده می‌باشد. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده میزانی از یأس اجتماعی است، چرا که اکثر پاسخگویان ارزیابی مثبتی از آینده کشور نداشتند و در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، شغلی، دینی و ...) اوضاع کشور را در آینده بدتر ارزیابی می‌کنند. چنین احساسی می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه «خودگرایی» و پیگیری منافع شخصی شود. عمده‌ترین نگرانی پاسخگویان نسبت به آینده مربوط به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، آینده جوانان، مسائل خانوادگی و اجتماعی، آینده شغلی و مسائل مالی و اقتصادی است. قضاوت جوانان درباره جامعه این است که در چند سال آینده نقش دین و مذهب کمتر می‌شود و ارزش‌های مادی و غربی رواج می‌یابد. مشکلات اجتماعی، ناامن، ناهنجاری‌های اجتماعی، بیماری‌های روانی، جرم و بزهکاری، نرخ بیکاری، طلاق و جدایی و فرار مغزها افزایش می‌یابد و شکاف و فاصله طبقاتی در جامعه بیشتر خواهد شد. نیمی از جوانان بر این تصورند که پیدا کردن شغل در آینده مشکل‌تر و نظام شایسته‌سالاری در استخدام افراد جایی نخواهد داشت و توزیع

فرصت‌ها بر اساس روابط و عواملی غیر از توانایی همچون پول و پارتی خواهد بود. احساس بی‌عدالتی را می‌توان در سهم اندک تخصص و شایستگی مشاهده کرد که تنها ۱۳ درصد پاسخگویان بر این باورند که در آینده افراد متخصص و شایسته در کارها استخدام خواهند شد. اما در وضعیتی به ظاهر متناقض، جوانان در این پژوهش با وجود شرایط نامطلوب جامعه، از زندگی فردی خود رضایت دارند و شرایط فردی خود را رو به بهبود می‌دانند. این نتایج منطبق بر یافته‌های سازمان جوانان در سال ۱۳۸۲ می‌باشد. یافته‌های حاضر متضمن این معناست که امیدواری‌های فردی که بیشتر متکی به تلاش و موفقیت شخصی هستند در جامعه بالا و در مقابل، امیدواری جمعی که بیشتر به تلاش و اراده جمعی متکی است، در جامعه پایین است. وقتی جوان احساس کند جهان اجتماعی او جهانی مطلوبی نیست و در آینده نیز به سمت مطلوب پیش نخواهد رفت، ممکن است سه نوع واکنش را نشان دهد: ۱- خود را از چنین جهانی دور کند (مثل مهاجرت)؛ ۲- از این جهان فاصله بگیرد و مثلاً به مواد مخدر پناه ببرد؛ ۳- به گذشته پناه ببرد و یا به آیین‌های فردی معنویت توسل جوید.

در این تحقیق هشت فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون این فرضیات نشان داد:

۱. فرضیه اول: با افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان امید به آینده افزایش پیدا می‌کند. نتایج نشان داد که پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد به تنهایی، میزان امید به آینده افراد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.
۲. فرضیه دوم: با افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان احساس محرومیت کمتر می‌شود. در این فرضیه، رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس محرومیت منفی بوده است؛ یعنی با بالا رفتن پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس محرومیت کمتر می‌گردد.
۳. فرضیه سوم: با کاهش احساس محرومیت، میزان امید به آینده افزایش پیدا می‌کند. در واقع و با توجه به فرضیه اول معلوم گشت که میزان امید به آینده تحت تأثیر پایگاه اجتماعی نیست، بلکه از طریق مکانیزم احساس محرومیت و تحت تأثیر آن قرار دارد.
۴. فرضیه چهارم: با کاهش احساس محرومیت، میزان احساس آنومی کاهش می‌یابد. در این فرضیه معلوم گشت که بین احساس محرومیت و احساس آنومی رابطه معناداری وجود دارد. مطابق نظریات مرتون، طبقات پایین‌تر جامعه به واسطه دسترسی کمتر به امکانات و فرصت‌ها، شانس کمتری برای تحقق اهداف توفیق‌آمیز دارند. لذا احساس محرومیت بیشتری دارند. به عبارت دیگر،

شکاف بیشتری بین اهداف و وسایل احساس می‌کنند و بیشتر مستعد احساس آنومی اجتماعی هستند؛ بدین معنی که احساس محرومیت در فرد، امیدواری به آینده را رقم می‌زند که خود این میزان تحت تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد است.

۵. فرضیه پنجم: با افزایش دین‌داری، میزان امید به آینده بیشتر می‌شود. عامل مهم دیگر در امید به آینده، دین‌داری است. از نظر دیویس، دین و مناسک دینی از طریق یک نیروی اخلاقی فرد را وادار می‌کند براساس ارزش‌های اجتماعی رفتار نماید. به علاوه، معمولاً اهداف اجتماعی بعضی از مردم را خشنود نمی‌سازد یا آنان قادر نیستند به صورت برابری بدان‌ها دست یابند. از این رو، جامعه اهداف متعالی را که برای همه افراد - با هر منزلت اجتماعی - دست یافتنی کرده است تا ناکامی‌های این جهان آنان را جبران کند و ناخشنودی و افسردگی آنان را کاهش دهد. بر این اساس، هر چه افراد دین‌دارتر باشند، میزان امید به آینده آنها افزایش می‌یابد.

۶. فرضیه ششم: با افزایش دین‌داری، احساس آنومی کاهش می‌یابد.

۷. فرضیه هفتم: با کاهش احساس آنومی، میزان امید به آینده افزایش می‌یابد. این دو فرضیه در ارتباط با یکدیگر معنا می‌یابند. یکی از کارکردهای مهم دین این است که از طریق برساختن جهانی مقدس، نابه‌سامانی‌ها و آشفتگی‌های جهان را منظم و معنادار کند و به جهان زیسته افراد معنی بخشد. در این نظام معنایی، بی‌عدالتی‌ها و ناکامی‌های این جهانی در افقی از زندگی که به فراسوی این جهان نظر دارد، معنادار و قابل تحمل می‌شود. بنابراین، دین‌داری از طریق احساس آنومی بر امید به آینده تأثیر می‌گذارد.

۸. فرضیه هشتم: بین ویژگی‌های افراد و امید به آینده رابطه معنی‌داری وجود دارد. از میان تمام متغیرهای زمینه‌ای، امید به آینده با هیچ کدام رابطه معناداری نداشت که نشان می‌دهد امید به آینده جوانان کمتر تحت تأثیر عوامل کلیشه‌ای و بیشتر متأثر از عوامل ساختاری است.

به طور کلی نتایج آزمون رابطه بین متغیرها نشان داد متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دین‌داری، احساس محرومیت و آنومی، ۴۱ درصد از تغییرات متغیر امید به آینده را تبیین می‌کنند که طبق نتایج تحلیل مسیر، متغیر احساس آنومی با ضریب $0/52$ - مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تغییرات امید به آینده در میان جوانان می‌باشد.

در خاتمه براساس یافته‌های حاصل از پژوهش، پیشنهادهایی در مورد موضوع مورد بررسی ارائه می‌گردد.

سؤال اصلی این است که چه راهبردهایی جهت افزایش امید به آینده جوانان، می‌توان در پیش گرفت؟

- ایجاد زمینه برای ترسیم چشم‌انداز آینده با جوانان نه برای جوانان؛
- تغییر نگاه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران به جوانان از موضوع یا مؤلفه تابع، به همراهان و ناقدان خیرخواه؛
- گسترش حوزه آزادی‌های فردی به منظور روشن‌شدن خواسته‌ها و مطالبات جوانان همراه با استقرار عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر.

- افراسیابی، حسین؛ خوبیاری، فهیمه؛ قدرتی، شفیعه و دشتی‌زاده، سعید. (۱۳۹۵). «عوامل اجتماعی مرتبط با امید جوانان به آینده (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های شهر یزد)». فصلنامه علمی - پژوهشی، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان.
- براتی‌سده، فریده. (۱۳۸۱). روان‌شناسی شادی و هیجان‌های مثبت. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران: دفتر مطالعات و پژوهش‌های کاربردی
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. باقرساروخانی. تهران: نشر کیهان
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: نشرنی
- خدایاری‌فر، محمد. (۱۳۸۵). «آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دین‌داری دانشجویان». طرح پژوهشی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- دهقان، حسین؛ پوررضا کریم سرا، ناصر و مروت، برزو. (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۳۶.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. تهران: نشر سروش
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۲). پیمایش ملی «جوانان و نگاه به آینده».
- عبداللهی، مهرناز. (۱۳۸۹). «تبیین جامعه‌شناختی امید به آینده». مجله رشد علوم اجتماعی. دوره ۱۴، شماره ۲.
- علیزاده اقدم، محمداقبر. (۱۳۹۱). «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و سوم، شماره ۴۸.
- کار، آلن. (۱۳۸۴). روانشناسی مثبت. مهرداد کلانتری. دانشگاه اصفهان
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- گر، تدرابرت. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. علی مرشدی‌زاد. تهران و پژوهشکده مطالعات راهبردی

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی**. منوچهر صبوری. چاپ سوم، تهران: نشر نی
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰). «**بیگانگی**». نامه علوم اجتماعی. شماره ۵.
- مرادی، علی و صفاریان، محسن. (۱۳۹۷). «**مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی- تفاوتی جوانان (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)**». مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره پنجم، شماره ۳.
- هزار جریبی، جعفر و آستین افشان، پروانه. (۱۳۸۸). «**بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)**». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره اول.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی دین**. محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان
- Adnans, Martin. (۲۰۰۷). “**Social transitions and anomie among post, Communist Bulgarian Youth, Young**”. Nordic Journal of youth research, Vol. ۱۵ No. ۱.
- Bolland, J. M., McCallum, D. M., Lian, B., Bailey. C. J., & Rowan. P. (۲۰۰۱). “**Hopelessness and violence among inner- city youth**”. Maternal and Child Health Journal, ۵, ۲۳۷-۲۴۴.
- Durkheim, E. (۱۹۳۳). **Division of labor in society**. N.Y.
- Fowler, J. H, Christakis. N.A. (۲۰۰۸). “**Dynamic spread of happiness in a large social Network: Longitudinal analysis over ۲۰ year in the Framingham heart study**”. British medical Journal.
- Fredrichson, B. L. (۲۰۰۹). **Positivity: Groundbreaking research reveals how to embrace the hidden strength of Positive emotions, overcome negativity and thrive**. New York: Grown publishing.
- Mc Cabe, K., & Barnett, D. (۲۰۰۰). “**First comes work, then comes marriage: Future orientation among African American young adolescents**”. Family Relations, ۴۹ (۱), ۶۳-۷۰.
- Molock, S.D., Puri, R., Matlin, S., Barksdale, C. (۲۰۰۶). “**Relationship Between Religious Coping and Suicidal Behaviors Among African American Adolescents**”. Journal of Black Psychology, Vol. ۳۲ No. ۳.

- Morrison, Wayne: Solicitor, Barri Sterand. (۱۹۹۵). **Theoretical criminology from modernity to post modernism**. London Cavendish Publishing.
- Siegel, Larry. S. (۱۹۹۸). **Criminology**. West Wadsworth Publishing Company.
- Snyder, C.R. (۲۰۰۰). **Hand book of hope**. San Diego: American Press.
- Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., Yoshinobu, L., Gibb, J., Langelle, C., Harnsey, P. (۱۹۹۱). **“The will and the ways: development and validation of an individual-differences measure of hope”**. Journal of Personality and Social Psychology, ۱۹, ۱۵۵-۱۶۰.
- Snyder, C. R., Cheavens, J., and Micheal, S. T. (۲۰۰۷). **Coping: The Psychology of what works**. New York: Oxford University Press.
- Snyder, C. R. (۱۹۹۴). **The Psychology of Hope: You Can Get There from here**. Free Press. USA.
- Stoddard, S. A., Henly, S. J., Sieving, R. E., & Bolland, J. (۲۰۱۱). **“Social connections, trajectories of hopelessness, and serious violence in impoverished urban youth”**. Journal of Youth and Adolescence, ۴۰, ۲۷۸-۲۹۵.
- Tittle, Charles R. and Micheal R. Welch. (۱۹۸۳). **“Religiosity and Deviance: Toward a Contingency Theory of Constraining Effects”**. Social Forces, ۶۱ (۳). ۶۵۳-۶۸۰.
- Wells, M. (۲۰۰۵). **“The effects of gender, age and anxiety on hope differences in the expression of pathway and agency thought”**. A dissertation presented for the doctorate of philosophy, the University of Texas A and B.

Future of Young People and Social Factors Affecting It

Sharareh Mehdi Zadeh

Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

Sima Qari Quran

Master Degree in Social Sciences Research, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 1 Nov. 1398

Accepted: 11 Dec. 1398

Hope and optimism about the future life are signs of dynamism and vitality in society and ideas for social improvement. Hope for future plays an important role in youth's life as builders of future. Since youth are a group of society, they effort for the future and young generation can form tomorrow the way they contemplate today. Accordingly, this study is to delineate the attitudes and feelings over the future of young people and social factors affecting it. This study combines the theoretical framework of Durkheim, Merton and Lee's theory of anomie, relative deprivation theory, social comparison theory and Gap theory.

This research is performed using the survey method by means of multi-stage cluster sampling among 260 male and female students of University of Tehran.

The results showed that the future expectancy is less than the average. Among the factors affecting future expectancy, feelings of deprivation and anomie were

of an inverse and significant relation and religiosity had significant positive correlation with hope for the future.

Key Words: Socio-Economic Status, Religiosity, Feelings of Deprivation, Sense of Anomie, Future Expectancy, Student and University of Tehran